

توسعه ظرفیت‌های جمعی و فردی ذی‌نفعان برای بهره‌برداری پایدار از تالاب بیشه‌دلان شهرستان بروجرد

قاسم مرتضایی فریزه‌ندی^{۱*}، سید محمودرضا طباطبایی^۲، محمد جعفر سلطانی^۳ و طاهر فرهادی نژاد^۴

^۱ استاد پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران، ^۲ استادیار پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران، ^۳ مربی پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران و ^۴ استادیار مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، لرستان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۶

چکیده

مانند بیشتر تالاب‌های کشور، تالاب بیشه‌دلان نیز وضعیت مطلوبی نداشته، تعادل اکولوژیکی آن شکننده و ناپایدار است. این پژوهش، با هدف تدوین و اجرای یک برنامه آموزشی در مورد اهمیت تالاب بیشه‌دلان و چگونگی استفاده مسئولانه از آن، به‌وسیله ذی‌نفعان دولتی و غیردولتی و با هدف ترمیم و حمایت از احیاء آن انجام شده است. در این ارتباط، به‌منظور آگاهی و شناخت از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فناوری، سیاسی و فرهنگی منطقه مورد مطالعه، ۱۰ کارگاه آموزشی به روش غیرتصادفی هدفمند در منطقه برگزار شد. سپس، با بهره‌گیری از نظرات نخبگان، نقاط قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، تالاب شناسایی و پس از آن، مطابق با برنامه عمل CEPA، چهار راهبرد شامل مشارکت مردمی-اطلاعرسانی و مسائل اقتصادی اجتماعی، ارتقاء همکاری‌های ملی در خصوص حفاظت و مدیریت تالاب، رسیدن به وضعیت مطلوب محیط زیست و رسیدن به وضعیت مطلوب آب و خاک تعیین و سپس رتبه‌بندی شدند. با توجه به نتایج به‌دست آمده از رتبه‌بندی راهبردها و همچنین نتایج گرفته‌شده از ماتریس QSPM، راهبرد محافظه‌کارانه WO، راهبرد اصلی برای منطقه مطالعاتی تعیین شد. در این راهبرد، تولید صنایع دستی و فروش غیر مستقیم محصولات آن به گردشگران، از فرصت‌های منطقه به‌شمار آمده که می‌تواند، ضمن اشتغال مستقیم و غیر مستقیم جوامع محلی، موجب کاهش نقاط ضعف منطقه (نظیر پایین‌بودن سطح درآمد خانوار، ضعف امکانات زیرساختی اولیه در روستاها و نظایر آن) شود. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، توانمندسازی جوامع محلی در دستیابی به مدیریت مشارکتی تالاب، یکی از بهترین راهبردها در راستای بهره‌برداری پایدار از تالاب بیشه‌دلان است.

واژه‌های کلیدی: آموزش ذینفعان، برنامه عمل ملی، جوامع محلی، راهبرد محافظه‌کارانه، مدیریت خردمندان و پایدار از منابع تالاب

مقدمه

برخوردار است. در چنین شرایطی، افزایش جمعیت و توسعه مستمر کاربری‌های مختلف انسانی و پروژه‌های متعدد اقتصادی، کشاورزی و صنعتی باعث رشد نیاز آبی بخش‌های مختلف شده است. بر اساس آمار و ارقام

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی از لحاظ اقلیمی در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک جهان قرار گرفته و از حدود یک سوم بارندگی متوسط جهان

روز به روز ابعاد پیچیده‌تری می‌یابد (Iran's Environmental Protection Agency، ۲۰۱۶).

بیشتر مناطق حفاظت‌شده در دنیا و نیز در ایران، با مشکل عدم پذیرش موجودیت از سوی جوامع ساکن در درون و یا پیرامون آن‌ها و حتی برخی از مسئولین و سازمان‌های دولتی مواجه هستند. به دلیل اعمال مدیریت‌های یک‌سویه و تصمیم‌گیری‌های بالا به پایین، جوامع محلی ساکن موجودیت این مناطق را در تضاد با منافع اقتصادی و معیشتی خود می‌بینند و بنابراین، از پذیرش قوانین و مقررات مرتبط با حفاظت آن‌ها تا حد امکان و به شیوه‌های مختلف سرباز می‌زنند. بی‌اثر یا کم‌اثر بودن سیاست‌های قهری برای حفظ این مناطق در مقابل آسیب‌ها و دست‌اندازی‌ها از سوی مردم محلی نیز به اثبات رسیده است. در این شرایط، بایستی پیش از هر چیز زمینه مشارکت و حضور هر چه بیشتر گروه‌های ذینفع کلیدی، به‌خصوص جوامع محلی، در مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از منابع طبیعی موجود در مناطق حفاظت‌شده فراهم شود.

به‌عنوان یکی از راهکارها برای همراه کردن مردم با حفاظت از بخش‌هایی از سرزمین باید برای آن‌ها انگیزه کافی ایجاد کرد. این انگیزه‌ها بر مبنای شناخت از روابط تاریخی و عرفی مردم با مناطق مورد نظر قابل ایجاد هستند. با این حال، نباید از این نکته غافل شد که نیاز است، چارچوب و نظام مشخصی برای مشارکت جوامع بومی و محلی و تشکل‌های مدنی، چه محلی و چه غیربومی، مشخص شود. این امر باید با مشارکت این گروه‌ها و با توجه به توانمندی‌ها و تجارب آن‌ها صورت گیرد.

نکته دیگر آنکه، برای مشارکت مؤثر میان سازمان محیط زیست و جوامع محلی در حفاظت پایدار از مناطق نیاز به ایجاد فضای اعتماد دوطرفه است. برای نیل به این مقصود، باید از توانمندی‌های بسیار بالای تشکل‌های مردمی در ایجاد ارتباط و تعامل میان نهادهای دولتی و مردم بهره برده شود. از سوی دیگر، تدوین برنامه مدیریت مشارکتی، رهیافتی است برای مدیریت جامع و یکپارچه منابع زیستی که حفاظت پایدار و بهره‌برداری خردمندانه و پایدار از این منابع را ترویج می‌دهد. برنامه‌ریزی زیست‌محیطی مؤثر،

موجود، کل آب قابل تجدید ایران سالانه حدود ۱۳۰ میلیارد مترمکعب است که مصارف آبی فعلی به بیش از ۸۵ میلیارد مترمکعب می‌رسد که مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده تا سال ۱۴۰۰ به بالغ بر ۱۰۴ میلیارد مترمکعب خواهد رسید. این رشد در بخش شرب ۸۹ درصد، کشاورزی ۲۴ درصد و صنعتی ۲۵۹/۶ درصد خواهد بود. بدین ترتیب، با توجه به کمبود آب و همچنین، توزیع نامناسب مکانی و زمانی بارش در کشور، در صورت ادامه روند کنونی اجرای طرح‌های توسعه منابع آب خصوصاً ساخت سدها و سازه‌های آبی و انتقال بین حوضه‌ای آب اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (Mortezaie و همکاران، ۲۰۱۲).

تأمین منابع آب شیرین پایدار به یک معضل در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است. افزایش جمعیت و صنعتی‌شدن جهان از یک‌سو و از سوی دیگر، تغییرات در میزان گرمایش دمای کره زمین که سبب افزایش خشکسالی، طوفان و سیل در اقصی نقاط جهان شده است، به مشکلات مربوط به کمبود آب دامن می‌زنند. آب جزء مهمی از اقتصاد ملی و محلی است و برای ایجاد و حفظ مشاغل در همه بخش‌های اقتصادی مورد نیاز است. نیمی از نیروی کار جهان در هشت صنعت آب و صنایع وابسته به منابع طبیعی شامل کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، انرژی، تولید، بازیافت، ساخت و حمل و نقل کار می‌کند. مدیریت آب یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه پایدار است. مدیریت آب پایدار، زیرساخت‌های آب و دسترسی به تأمین ایمن، قابل اعتماد و مقرون‌به‌صرفه از آب و خدمات بهداشتی مناسب، بهبود استانداردهای زندگی، گسترش اقتصاد محلی، منجر به ایجاد شغل‌های مناسب‌تر و انعطاف‌پذیری بیشتر اجتماعی می‌شود (Mortezaie و همکاران، ۲۰۱۲؛ Jafari و همکاران، ۲۰۱۳).

امروزه با توجه به جمعیت رو به رشد جهان و فشار روزافزون بر منابع طبیعی، توجه به ارزش‌های مناطق حفاظت‌شده برای آینده حیات بشر بیشتر شده است. اما احداث این مناطق به تنهایی نمی‌تواند بقای تنوع زیستی و موجودیت آن‌ها را تضمین کند. با افزایش جمعیت انسانی و به‌دنبال آن نیاز بیشتر به بهره‌برداری از منابع طبیعی مشکل حفظ و حراست از این منابع

انتشار گسترده گازهای گلخانه‌ای و تغییر اقلیم و خشکسالی‌های متعاقب آن، همراه با مصرف فزاینده منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی طی دهه‌های اخیر موجب افت شدید سفره‌های آب زیرزمینی شده، به طوری که تداوم آن سبب خشک شدن چاه‌ها و در نهایت توسعه مناطق بیابانی و تخلیه روستاها خواهد شد (Salehpour Jam و همکاران، ۲۰۱۷؛ Salagegheh و همکاران، ۲۰۱۷). در این ارتباط، مشارکت مردمی در اجرای پروژه‌های منابع طبیعی و نیز مرتفع کردن مشکلات مربوطه، گامی اصولی در مواجهه با مشکلات و بهبود وضعیت تالاب‌هاست (Agidew و همکاران، ۲۰۱۸؛ Soleimanpour و همکاران، ۲۰۱۹؛ Salehpour Jam و همکاران، ۲۰۱۸).

در تالاب شادگان به منظور ارائه راهبردهای توسعه صنعت اکوتوریسم از مدل SWOT و با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)^۵ انجام شد، از ماتریس QSPM برنامه‌ریزی راهبرد کمی تعیین شد. پیش‌بینی تاثیر سایر عوامل داخلی و خارجی و نمره‌دهی بر اساس میزان جذابیت راهبرد و تجمیع نمرات برای هر کدام از راهبردها، نشان داد که راهبرد تدوین برنامه‌های خاص برای معرفی جاذبه‌های گردشگری تالاب، با (۱/۹۹۱ امتیاز) مهمترین راهبرد تدافعی می‌باشد (Farokhian, ۲۰۱۵).

در شهرستان خرم‌آباد در پژوهشی مشابه با پژوهش منطقه تالاب شادگان، تحلیل فضایی جاذبه‌های اکوتوریستی مورد پردازش قرار گرفت که طی آن ضعف امکانات زیربنایی، خدمات گردشگری، ضعف آموزش، ضعف مدیریت، تداخل وظایف سازمان‌ها و تبلیغات در توسعه نیافتگی گردشگری شهرستان موثر بوده است (Josie و همکاران، ۲۰۱۷). طبق نتایج بیشتر تحقیقات فوق بهترین راهبرد توانمندسازی جوامع محلی برای بهره‌برداری همراه با پایداری شرایط تالاب‌ها عنوان شده است و همچنین، ضعف امکانات زیربنایی سبب عدم توسعه گردشگری است. تفاوت چهار پژوهش فوق در نوع اهداف مورد نظر بود که پژوهش اول و دوم حفاظت از تالاب را

نیازمند اطلاعات کافی و فراهم‌آوری ساختار لازم برای استفاده از این اطلاعات است، به نحوی که تمامی گروه‌های ذی‌نفع از آن بهره‌مند شوند. یکپارچه‌سازی موفق در مدیریت مناطق حفاظت‌شده همراه با مدیریت سایر مناطق، نیاز به یک سامانه رضایت‌بخش برای مشارکت مردم محلی و سازمان‌های دیگر دارد. بنابراین، در راستای تدوین راهکارهای مناسب برای جلب مشارکت مردم در مدیریت مناطق حفاظت‌شده، این پروژه در پی آن است که با شناخت ارتباطات ریشه‌ای بین مردم و منطقه حفاظت‌شده و دیدگاه‌های آنان در مورد این منطقه، امکان استفاده از مشارکت مردمی و سایر گروه‌های ذینفع را برای همراهی با رویکردهای حفاظتی مورد بررسی قرار دهد.

پروژه حاضر گامی در راستای استقرار رویکرد مشارکتی برای مدیریت منطقه حفاظت‌شده خواهد بود که با همکاری و مشارکت تشکلهای مردمی و اداره کل محیط‌زیست استان لرستان اجرا می‌شود.

پژوهشی در میانکاله استان مازندران با استفاده از تجزیه و تحلیل SWOT^۱ انجام پذیرفت، با استفاده از ارزیابی عوامل داخلی (IF)^۲ و ارزیابی عوامل خارجی (EF)^۳، تعیین راهبردهای مناسب از ماتریس SWOT در محیط SPACE به کمک برنامه‌ریزی کمی QSPM^۴ انجام شد. نتایج این پژوهش، نشان داد که راهبرد زون‌بندی منطقه برای تخصیص بهینه منابع بیشترین امتیاز و راهبرد توسعه مدیریت تلفیقی آفات و استفاده از کود شیمیایی کمترین امتیاز را دارد (Jafari و همکاران، ۲۰۱۳).

به همین ترتیب، طی پژوهشی در تالاب آلمانگال برای احیا و بازسازی تالاب از مدل تجزیه و تحلیل راهبردی SWOT استفاده شد که با استفاده از ارزیابی عوامل درونی و بیرونی و ماتریس SWOT، راهبرد حاصل از مرحله تطبیق به صورت عینی و بدون اعمال نظر شخصی انجام و بهترین راهبرد با توجه به ضریب اهمیت و نمره جذابیت کسب‌شده راهبرد تدافعی تعیین شد (Danekar و Beagleer Fadafen, ۲۰۱۷).

^۱ Strength Weaknes Opportunity Threats

^۲ Internal Factors

^۳ External Factors

^۴ Quantitative Strategic Planning Matrix

^۵ Analytical Hierarchy Process

۳۳۱۲ نفر در این روستاها از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می‌کنند (جدول ۱). روستاهای کپر جودکی و چگنی‌کش مهمترین روستاهای مرتبط با تالاب هستند که به دلیل قرار گرفتن در مرز محدوده فعلی تالاب و داشتن بیشترین مرز با آن، در زمان افزایش تراز آب تالاب بر اثر بارش، بیشترین تأثیر را بر تالاب دارند (Sadeghi nejad و همکاران، ۲۰۱۴).

از این سطح، حدود ۱۱۰/۵ هکتار به موجب ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، پیش از سال ۱۳۶۵ به ۶۰ متقاضی واگذار شده است. مابقی اراضی تصرف شده فاقد سند و مدرک مالکیتی بوده و به صورت عدوانی تصرف شده است. در حال حاضر مساحت تالاب به حدود ۸۰ هکتار تقلیل یافته و محیط آن نیز ۲/۵ کیلومتر است (General Directorate of Environmental Protection of Lorestan Province، ۲۰۱۶).

مساحت محدوده شکار و صید ممنوع تالاب حدود ۱۵۶۰ هکتار و محیط آن برابر با ۱۷ کیلومتر است. ارتفاع متوسط تالاب از سطح آب‌های آزاد کمتر از ۱۵۰۰ متر بوده و به‌طور میانگین بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر از اراضی و ارتفاعات مجاور خود مانند کوه باغ بیرم و کوه میش‌پرور پست‌تر است (General Directorate of Environmental Protection of Lorestan Province، ۲۰۱۶). (شکل ۱).

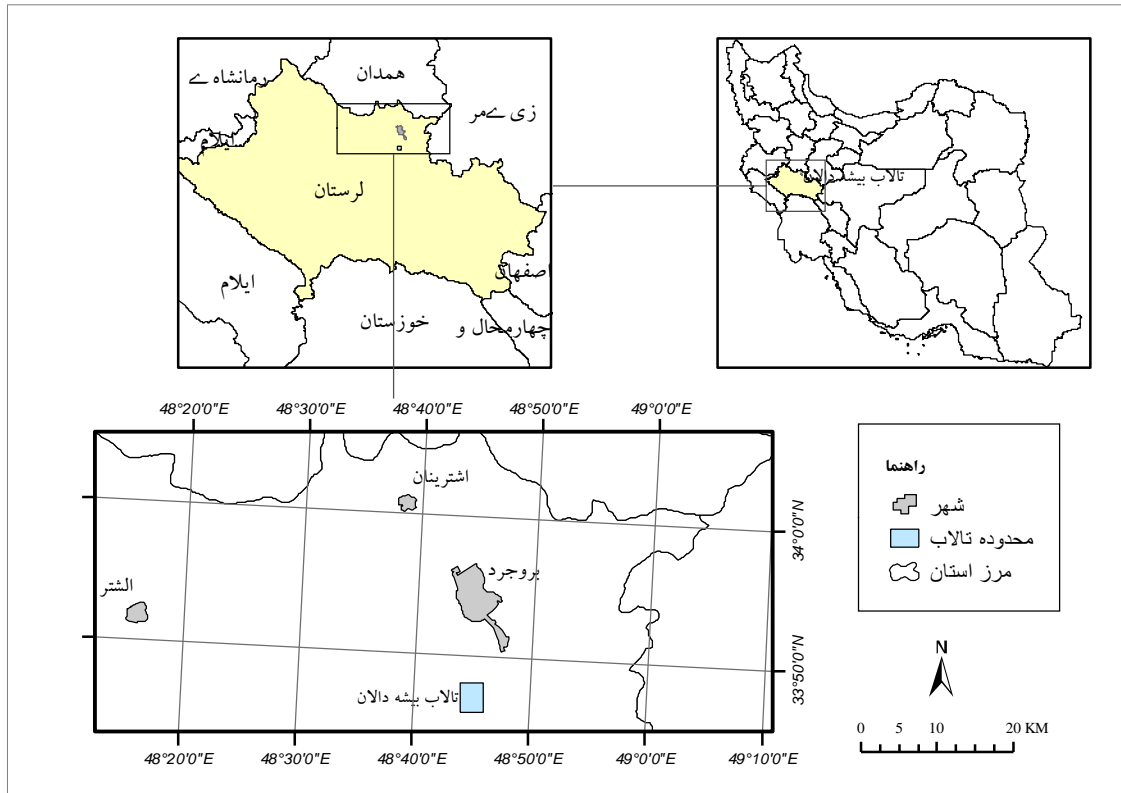
روش پژوهش: در این پژوهش، ابتدا با مطالعه و شناخت مسائل اقتصادی، تکنولوژیکی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منطقه مورد مطالعه و سپس با کمک نظرات خبرگان و جوامع محلی، عوامل داخلی (نقاط قدرت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدهای) سامانه‌ها شناسایی و پس از آن با ارزیابی و طبقه‌بندی آن‌ها (در قالب ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IFE) (EFE) با استفاده از مدل SWOT استراتژی کلی در زمینه حفاظت و مدیریت تالاب‌ها مشخص و پس از آن ضمن ارائه راهبردهای مشخص با استفاده از مدل برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM) این راهبردها رتبه‌بندی و توصیه می‌شود.

هدف قرار داده و پژوهش سوم و چهارم به موضوع گردشگری و اکوتوریسم پرداخته است و تشابه این پژوهش‌ها در استفاده برنامه‌ریزی راهبرد کمی (QSPM) و مدل SWOT در سه پژوهش اول است که از این نظر با پژوهش مورد نظر، از نظر ساختار روش پژوهش، مشابهت دارد، اما تفاوت پژوهش انجام‌شده در بیشه‌دلان و نوع‌آوری آن به استفاده از برنامه عمل ملی (CEPA)^۱ با ارائه راهبردهای کاربردی منطبق بر کنوانسیون حفاظت از تالاب است که بر اساس آن توانمندسازی جوامع محلی، جلب مشارکت مردم در مدیریت مناطق حفاظت‌شده و توسعه ظرفیت‌های جمعی و فردی ذی‌نفعان دولتی و غیردولتی برای بهره‌برداری مسئولانه برای ترمیم و حمایت از احیاء تالاب بیشه‌دلان مورد بررسی قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

منطقه پژوهش: تالاب بیشه‌دلان، به گویش محلی بیشه دالون، در فاصله ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر بروجرد استان لرستان قرار گرفته است. محدوده جغرافیایی تالاب از ۴۸° ۴۴' تا ۴۸° ۴۶' طول شرقی و ۴۶° ۳۳' تا ۴۸° ۴۸' عرض شمالی بوده که روستاهای چگنی‌کش و کپر جودکی در محدوده تالاب و روستاهای بوریا باف (شمال غربی)، کیدان (شمال شرقی) خارج از محدوده تالاب قرار گرفته‌اند. دیگر مناطق مسکونی نزدیک تالاب نیز روستاهای رحیم آباد، شیروان و گنجینه هستند. مختصات مرکز تالاب نیز ۴۸° ۴۵' طول شرقی و ۳۳° ۴۷' عرض شمالی است که در میانه بخش شرقی دشت سیلاخور و در حاشیه رودخانه تیره قرار گرفته است. حوزه آبخیز تالاب دارای مساحتی حدود ۹۷۵ کیلومتر مربع است که محدوده‌های مطالعاتی اشترینان و دورود-بروجرد را در بر می‌گیرد. مساحت تالاب حدود ۹۱۳/۵ هکتار بوده که دارای سند مالکیت ملی به شماره ۱۶۵، بخش ۴ بروجرد می‌باشد. تعداد هفت روستا به نام‌های کپر جودکی، بوریا باف، چگنی‌کش، کاروانه، کیدان، کیوره و پاپولک پیرامون و در محدوده تالاب بیشه‌دلان قرار گرفته‌اند که تعداد ۹۶۹ خانوار با جمعیتی بالغ بر

¹ Communication Education, Participation and Awareness



شکل ۱- تالاب بیشه‌دالان در شهرستان بروجرد

جدول ۱- جمعیت و تعداد خانوارهای روستایی پیرامون تالاب بیشه دالان

ردیف	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت (نفر)
۱	کپر جودکی	۱۰۰	۳۴۴
۲	چگنی‌کش	۱۷۲	۶۰۵
۳	بوریاپاف	۹۸	۳۴۵
۴	کیدان	۲۴۰	۸۴۵
۵	کیوره	۱۴۳	۴۳۶
۶	کاروانه	۱۲۱	۴۲۲
۷	پاپولک	۹۵	۳۱۵
۸	مجموع	۹۶۹	۳۳۱۲

* سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، سالنامه آماری استان لرستان سال ۱۳۹۴ و ** مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵

در مرحله بعد با برگزاری جلسات مشارکتی با ذی‌نفعان، آن‌ها را با مبانی مدیریت اکوسیستمی و چارچوب تدوین برنامه مدیریتی آشنا کرده، سپس، کارگاه‌های مشارکتی تدوین برنامه مدیریتی حوزه آبخیز تالاب با حضور کلیه ذی‌نفعان منطقه مطالعاتی برگزار شد و بر اساس آن تدوین و اجرای یک برنامه آموزشی در مورد ارزش‌های تالاب و چگونگی استفاده مسئولانه از آن برای کلیه ذی‌نفعان صورت پذیرفت و برای توسعه ظرفیت‌های جمعی و فردی ذی‌نفعان دولتی و غیردولتی برای بهره‌برداری مسئولانه برای

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه است و ابزار مورد استفاده به صورت مشاهده و آزمون، پرسش‌نامه، مصاحبه و فیش‌برداری است. روش کتابخانه‌ای در ارتباط با پیشینه موضوع و مبانی نظری پژوهش و مطالعه میدانی به‌منظور شناخت واقعیت موجود بر زمین و در قالب ابزار پیمایشی پرسش‌نامه خواهد بود. بر این اساس ابتدا، وضع فعلی و سازگاری کاربری‌های پیرامون تالاب، پس از تلفیق با نقشه زیستگاه وضعیت سیمای سرزمین تعیین شد و

ذی‌ربط است.

در این رابطه، ۱۰ کارگاه آموزشی در طی ماه‌های تیر و مرداد ۱۳۹۷ در مرکز خیریه الغدیر و مسجد جامع روستای کپرجودکی بیشه‌دلان بروجرد برگزار شد. در این کارگاه‌ها، بحث مشارکت و راهکارهای افزایش آن با رویکرد حفاظت، احیاء و بهره‌برداری بهینه از تالاب بیشه‌دلان با توجه به شرایط بحرانی آن تشریح شد (شکل ۲ و جدول ۲).

علاوه بر این، نمونه‌های موفق مشارکت مردمی در امر مدیریت تالاب‌های کشور معرفی شد. در خلال صحبت‌های کارشناس مجری کارگاه‌ها، حاضرین پرسش‌های خود در زمینه مشارکت و چگونگی تأثیر عوامل مختلف محیطی و انسانی در تخریب تالاب را بیان کردند. کارشناسان با تکیه بر آموخته‌های علمی و تجربیات اجرایی خویش پاسخگوی سوالات مطرح شده بودند. در نهایت، پیشنهادهایی برای ایجاد توسعه پایدار و مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در منطقه ارائه شد. در حین برگزاری کارگاه‌ها نیز پرسش‌نامه‌هایی که با توجه به مسائل و مشکلات تالاب طراحی شده بود، در بین حاضرین توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شد. سپس، با کمک نظرات خبرگان و جوامع محلی، عوامل داخلی (نقاط قدرت و ضعف) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) سامانه‌ها شناسایی و پس از آن با ارزیابی و طبقه‌بندی آن‌ها (در قالب ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، IFE و EFE) استفاده از مدل SWOT راهبرد کلی در زمینه حفاظت و مدیریت تالاب‌ها مشخص و پس از آن ضمن ارائه راهبردهای مشخص با استفاده از مدل برنامه‌ریزی راهبرد کمی (QSPM) راهبردهای زیر رتبه‌بندی و توصیه شد.

ترمیم و حمایت از احیاء تالاب برنامه‌ریزی مدیریتی حوزه آبخیز تالاب با ارائه الگوی مناسب مدیریت مشارکتی با توجه به استانداردهای بین‌المللی و شرایط منطقه‌ای با استفاده از مدل ترکیبی SWOT و QSPM و استفاده از برنامه عمل ملی CEPA با ارائه راهبرد-های کاربردی منطبق بر کنوانسیون حفاظت از تالاب در دهمین نشست اعضای متعهد کنوانسیون رامسر (COP10) برای منطقه تدوین شد.

نتایج و بحث

به همین منظور، با بررسی میدانی و جمع‌آوری پرسش‌نامه از نخبگان و بهره‌برداران چهار راهبرد شامل مشارکت مردمی-اطلاع‌رسانی و مسائل اقتصادی-اجتماعی، ارتقاء همکاری‌های ملی در خصوص حفاظت و مدیریت تالاب، رسیدن به وضعیت مطلوب محیط زیست و رسیدن به وضعیت مطلوب آب و خاک رتبه‌بندی شد (جدول‌های ۳، ۴ و ۵).

طی بازدیددی که از منطقه با هدف بررسی وضعیت تالاب و بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی خانوارهای روستایی صورت گرفت، مشخص شد که روستاهای کپرجودکی و چگنی‌کش مهمترین روستاهای مرتبط با تالاب هستند که بیشترین تأثیر را بر تالاب دارند. مذاکره مستقیم و چهره به چهره با معتمدین و اعضای شورای اسلامی روستاهای تأثیرگذار انجام گرفت و اهداف برگزاری کارگاه و برنامه‌ریزی برای مشارکت بیشتر جامعه هدف برای آنان تشریح شد. یکی از اهداف فرعی کارگاه‌ها، رسیدن به یک رویکرد مشترک و چشم‌انداز مورد توافق از طریق هم‌فکری و تبادل آرا و تجربیات با جوامع محلی درگیر، انجمن‌های مردم‌نهاد و کارشناسان و مسئولین



شکل ۲- کارگاه‌ها و جلسات کارشناسی با اهالی و شورای اسلامی منطقه مطالعاتی

جدول ۲- تحلیل پرسش‌نامه‌های تالاب بیشه‌دالان با SWOT در دو سطح بهره‌برداران و نخبگان*

نمره	درجه اهمیت	وزن	QSPM (بیشه‌دالان)
قوت‌ها			
۰/۱	۲	۰/۰۵	۱- اقلیم مناسب منطقه برای گردشگری
۰/۶۰	۴	۰/۱۵	۲- سهولت دسترسی و نزدیکی به شبکه حمل و نقل
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۳- استعداد بالای منطقه برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای گردشگری
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۴- پتانسیل بالای منطقه از لحاظ گیاهان دارویی از جمله: آویشن، زرشک، قارچ کوهی
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	۵- وجود آب با کیفیت به دلیل عدم آلودگی زیست‌محیطی در منطقه
۰/۱	۲	۰/۰۵	۶- استعدادهای اکولوژیکی منطقه مورد مطالعه برای توسعه پایدار آن
ضعف‌ها			
۰/۰۶	۱	۰/۰۶	۱- وجود خلأهای قانونی برای برخورد با متخلفین
۰/۸۱	۳	۰/۲۷	۲- پایین بودن سطح درآمد جوامع مرتبط با تالاب
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۳- عدم فعالیت‌های تحقیقاتی در محدوده تالاب
۰/۱	۲	۰/۰۵	۴- عدم ترویج و آموزش کارکردهای تالاب برای جوامع مرتبط
۰/۱	۲	۰/۰۵	۵- عدم هماهنگی و همکاری بین ادارات دولتی با هم و با جوامع مرتبط
۰/۱	۲	۰/۰۵	۶- عدم برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری تالاب
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۷- اختلافات بین روستاییان محدوده تالاب بر سر تصاحب اراضی تالاب
۰/۱	۲	۰/۰۵	۸- ضعف زیرساخت‌ها و امکانات اولیه در روستاهای مرتبط با تالاب
فرصت‌ها			
۰/۱	۲	۰/۰۵	۱- اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم برای جوامع محلی مرتبط با تالاب
۰/۱	۲	۰/۰۵	۲- مبادلات فرهنگی و بالارفتن سطح فرهنگ جوامع محلی
۰/۱	۲	۰/۰۵	۳- افزایش تولید صنایع دستی و فروش بدون واسطه محصولات به گردشگران
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	۴- تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری تالاب
۰/۷۵	۳	۰/۲۵	۵- تمایل جوامع محلی برای مشارکت در امر مدیریت تالاب
۰/۱	۲	۰/۰۵	۶- افزایش توجه مسئولین به منطقه و بهبود زیرساخت‌ها
تهدیدها			
۰/۱	۲	۰/۰۵	۱- افزایش فشار بر اکوسیستم به دلیل وقوع خشکسالی و تغییرات اقلیمی اخیر
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	۲- کاهش کمیت آب ورودی به تالاب به دلیل بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب در بالادست
۰/۱	۲	۰/۰۵	۳- عدم مدیریت یکپارچه و هماهنگ تالاب
۰/۱۸	۳	۰/۰۶	۴- تغییر کاربری تالاب با احداث زهکش‌ها
۰/۱	۲	۰/۰۵	۵- کاهش کیفیت آب ورودی به تالاب در نتیجه فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و فاضلاب
۰/۸۱	۳	۰/۲۷	۶- کمبود توجه شایسته به پتانسیل‌های منطقه ای و بهره‌برداری نادرست از منابع

عوامل دولتی

عوامل خصوصی

* نتایج حاصله از برگزاری کارگاه‌های آموزشی ۱۳۹۷

جدول ۳- راهبرد اول مشارکت مردمی، اطلاع‌رسانی و مسائل اقتصادی-اجتماعی

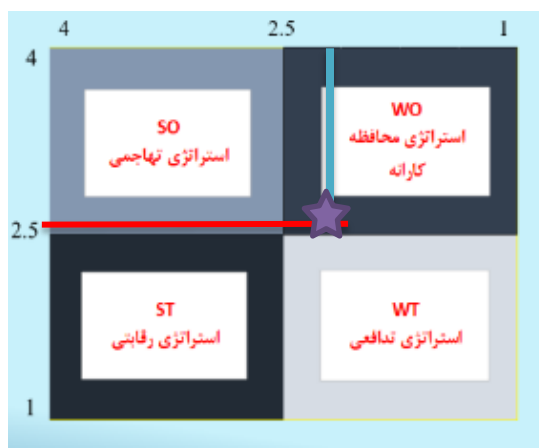
سیاست	دوره	اهداف	اقدامات	نهاد مسئول	نهاد همکار
آگاهی‌رسانی عمومی	۳ سال	تهیه و اجرای ۷۰ درصد برنامه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی	شناسایی گروه‌های هدف	محیط زیست، عشایری، شیلات، منابع طبیعی	دانشگاه‌ها
		اجرای برنامه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی	اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های محلی	محیط زیست	صدا و سیما، دانشگاه‌ها، شوراهای سمن
	۱۵ سال	اجرای برنامه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مراحل بعد با ارزیابی مراحل قبل	برگزاری بازدیدهای ادواری از تالاب به همراه مسئولین	محیط زیست	سمن‌ها
		ایجاد اعتماد مردم نسبت به برنامه‌های دولتی از طریق مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌ها	محیط زیست	دانشگاه‌ها	

جدول ۴- راهبرد دوم ارتقاء همکاری‌های ملی در خصوص حفاظت و مدیریت تالاب

سیاست	دوره	اهداف	اقدامات	نهاد	نهاد همکار
دستیابی به یک اساسنامه ملی در راستای تامین مطمئن آب تالاب و دریاچه	اهداف کوتاه‌مدت (۵ ساله)	مدیریت منابع آب	تغییر الگوی آبیاری	منابع طبیعی جهاد کشاورزی	دانشگاه امور آب و دانشگاه
	اهداف میان‌مدت (۱۵ ساله)	افزایش و تقویت زمین‌های بهره‌برداری	پروژه‌های ایجاد و تقویت زیرساخت‌های تولید انرژی	جهاد کشاورزی	دانشگاه و محیط زیست
	اهداف بلندمدت (۲۵ ساله)	دستیابی به طرح جامع آبخیزداری	تهیه طرح مدیریت مشترک تالاب	منابع طبیعی	دانشگاه

جدول ۵- راهبرد چهارم رسیدن به وضعیت مطلوب آب و خاک

سیاست	دوره	اهداف	اقدامات	نهاد مسئول	نهاد همکار
مدیریت تالاب	۵ سال	بهره‌برداری خردمندانه و پایدار	تدوین نظام بهره‌برداری خردمندانه و پایدار از منابع تالاب	اداره کل محیط زیست و اداره کل منابع طبیعی	سمن‌ها نمایندگان مردم، صیادان و عشایر
	۱۵ سال	دستیابی به نظام مدیریت حفاظتی و حمایتی تالاب	ارزش‌گذاری اقتصادی تالاب	محیط زیست	دانشگاه، سمن‌ها، نمایندگان مردم، صیادان و عشایر، اداره کل محیط زیست، اداره کل منابع طبیعی
		به‌منظور استفاده خردمندانه و پایدار	مطالعه و تعریف مشاغل سازگار با اکوسیستم تالاب	محیط زیست	سمن‌ها، نمایندگان مردم، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، اداره کل امور عشایر و استانداری



شکل ۳- راهبرد محافظه‌کارانه Wo بر اساس مدل QSPM

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و تشکیل ماتریس، نیاز به اجرای راهبرد محافظه‌کارانه ¹WO

¹ Weakness Opportunity

است (شکل ۳). این راهبرد به این معنی است که از فرصت‌های منطقه برای رفع نقاط ضعف موجود در این بخش

برای تخصیص بهینه منابع دارای بیشترین امتیاز است و پژوهش تالاب آلمان برای احیا و بازسازی تالاب از مدل تجزیه و تحلیل راهبردی SWOT به توانمندسازی جوامع محلی اشاره کردند، منطبق است (General Directorate of Environmental Protection of Lorestan Province Gorener، ۲۰۱۶؛ Zhang و همکاران، ۲۰۱۲؛ همکاران، ۲۰۱۴؛ Solaimani Sardo و همکاران، ۲۰۱۶؛ Mortezaie و همکاران، ۲۰۱۲).

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده آن است که توانمندسازی جوامع محلی برای مدیریت مشارکتی تالاب بهترین راهبرد برای بهره‌برداری پایدار از تالاب است و همچنین، ضعف امکانات زیربنایی سبب عدم توسعه گردشگری است. محدودیت‌های این پژوهش به دلیل نوآوری در پژوهش، عدم شناخت مردم با مفاهیم ارائه‌شده در کارگاه‌ها در ابتدا بود که با تکرار و برگزاری مباحث این مطالب مورد استقبال ذی‌نفعان قرار گرفت. لازم به ذکر است که نوآوری طرح فوق استفاده از برنامه عمل ملی CEPA است که با ارائه راهبردهای کاربردی منطبق بر کنوانسیون حفاظت از تالاب بر اساس توانمندسازی جوامع محلی، جلب مشارکت مردم در مدیریت مناطق حفاظت‌شده و توسعه ظرفیت‌های جمعی و فردی ذی‌نفعان دولتی و غیر دولتی برای بهره‌برداری مسئولانه برای ترمیم و حمایت از احیاء تالاب بیشه‌دلان عمل می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، توانمندسازی جوامع محلی در دستیابی به مدیریت مشارکتی تالاب یکی از بهترین راهبردها در راستای بهره‌برداری پایدار از تالاب است.

سپاس‌گزاری

بدین‌وسیله از حمایت‌های مادی و معنوی کارشناسان و مسئولین محترم سازمان حفاظت محیط زیست لرستان، پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری و مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی لرستان به‌دلیل همکاری قابل توجه در به ثمر رساندن نتایج تحقیقات فوق‌قدردانی می‌کنم.

استفاده شود. به‌عنوان مثال، فرصت اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم برای جوامع محلی مرتبط با تالاب و تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری تالاب را برای رفع نقاط ضعف مانند پایین‌بودن سطح درآمد جوامع مرتبط با تالاب و ضعف زیرساخت‌ها و امکانات اولیه در روستاهای مرتبط با تالاب پیشنهاد شد که با نتایج طرح‌های پژوهشی، گردشگری سد ماملو و همچنین، تالاب شادگان که از مدل SWOT استفاده و ارزیابی و اولویت‌بندی راهبردها با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی راهبرد کمی (QSPM)، راهبرد تدوین برنامه‌های خاص برای معرفی جاذبه‌های گردشگری تالاب، با (۱/۹۹۱ امتیاز) مهمترین راهبرد تدافعی معرفی کرده، پژوهش تحلیل فضایی جاذبه‌های اکوتوریستی شهرستان خرم‌آباد نیز به این نتیجه رسیده که ضعف امکانات زیربنایی، خدمات گردشگری، ضعف آموزش، ضعف مدیریت، تداخل وظایف سازمان‌ها و تبلیغات در توسعه‌نیافتگی گردشگری شهرستان موثر بوده است (Amiri و همکاران، ۲۰۱۴؛ Ahmadian و همکاران، ۲۰۱۳؛ Sadeghinejad و همکاران، ۲۰۱۴؛ Zare Garizy و همکاران، ۲۰۱۴؛ Akbari و همکاران، ۲۰۰۹؛ Amirian و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، در ادامه راهبردهای مشخص با استفاده از مدل برنامه‌ریزی راهبرد کمی (QSPM) شامل راهبرد مشارکت مردمی، اطلاع‌رسانی و مسائل اقتصادی-اجتماعی با ایجاد اعتماد مردم نسبت به برنامه‌های دولتی از طریق مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌ها به بررسی ارتقاء آگاهی و جلب مشارکت مردمی در تالاب و بیشه‌دلان بروجرد، راهبرد ارتقاء همکاری‌های ملی در خصوص حفاظت و مدیریت تالاب با افزایش و تقویت زمینه‌های بهره‌برداری و دستیابی به طرح جامع آبخیزداری راهبرد رسیدن به وضعیت مطلوب محیط زیست با مطالعه و تعریف مشاغل سازگار با بوم‌سازگان تالاب راهبرد رسیدن به وضعیت مطلوب آب و خاک با تکمیل مطالعات پهنه‌بندی تالاب بیشه‌دلان به‌منظور استفاده بهینه و مطلوب از آب ورودی منجر خواهد شد که نتایج پژوهش فوق با نتایج پژوهش تالاب میانکاله در استان مازندران، که با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی کمی (QSPM) راهبرد زون‌بندی منطقه

منابع مورد استفاده

1. Ahmadian, H. and A. Hoshmand. 2013. Evaluation of the occurrence of climate droughts in Lorestan Province. MSc Thesis, Geography, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, 95 pages (in Persian).
2. Akbari, A. and E. Shekari Abadi. 2014. Processing and extracting information from satellite data using the ENVI software. Farahmand Press, 206 pages (in Persian).
3. Agidew, A.M.A. and K.N. Singh. 2018. Factors affecting farmers' participation in watershed management programs in the northeastern highlands of Ethiopia, a case study in the Teleyayen Sub-watershed. *Ecological Processes*, 7(1): 1-15.
4. Amirian, A.R., H. Tabari, H.A. Kashkouli and H. Hassounizade. 2009. Evaluation of drought effects on Maroon River water quality. 8th International River Engineering Conference, Ahwaz, Iran (in Persian).
5. Beagleer Fadafen, A. and A. Danekar. 2017. Providing solutions for integrated management of almaghel wetlands to regenerate and reclaim the wetlands, using SWOT strategic analysis model. *Journal of Oceanography*, 96: 5-22 (in Persian).
6. Cunha, D.G.F., L.P. Sabogal-Paz and W.K. Dodds. 2016. Land use influence on raw surface water quality and treatment costs for drinking supply in São Paulo State (Brazil). *Ecological Engineering*, 94: 516-524.
7. General Directorate of Environmental Protection of Lorestan Province. 2016. Participatory Management Plan of the Bishe delan Lagoon.
8. Gorener, A., K. Toker and K. Ulucay. 2012. Application of combined SWOT and AHP, a case study for a manufacturing firm. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (58): 1525-1534.
9. Farokhian, M. 2015. Developing strategies for development of ecotourism industry in Shadegan Wetland, using the SWOT model. *Journal of Oceanography*, 94: 23-32.
10. Iran's Environmental Protection Agency, Integrated Land Management Plan for the country's lagoons. 2016.
11. Jafari, M. 2013. Development of management strategies for conservation of Miankaleh Wetland in Mazandaran Province, using SWOT analysis. *Journal of Oceanology*, 16(92): 28-36.
12. Mortezaie, F.G. and R. Shahbazi. 2012. Survey indicators for assessing and mapping water and wind erosion desertification and provide sustainable development strategy. *Iranian Journal of Watershed Management Science and Engineering*, 6: 45-52 (in Persian).
13. Sadeghinejad, M. and F. Victory. 2014. Lyman logical study of Bishe delan Lagoon in Borujerd, Lorestan. Second National Conference on Environmental Hazards in Zagros.
14. Salagegheh, A., S.E. Rafiei, A. Moghadamnia, A. Malekian, S. Araghinejad, S.S. KHalighi and A. Salehpour Jam. 2017. Performance assessment of LARS-WG and SDSM downscaling models in simulation of precipitation and temperature. *Iranian Journal of Soil and Water Research*, 48(2): 253-262 (in Persian).
15. Salehpour Jam, A., M. Karimpour Reihan, M. Mohseni Saravi, J. Bazrafshan and S. Khalighi Sigaroudi. 2017. Investigation of climate change effect on drought characteristics in the future period using the HadCM3 model, a case study: Khoy Station, northwest of Iran. *Desert*, 22(1): 43-50.
16. Salehpour Jam, A., A. Sarreshtehdari and M. Tabatabaei. 2018. Prioritizing preventing factors affecting on stakeholders participation in watershed plans based on experts idea, a case study: watershed area surrounding city of Tehran. *Watershed Engineering and Management*, 9(4): 441-450 (in Persian).
17. Soleimanpour, S.M., A. Salehpour Jam, A.A. Noroozi, N. Khalil, H. and Keshavarzi. 2019. Experts' viewpoints on prioritizing factors affecting lack of sustainable participation of rural communities in watershed management projects on the Moradabad Watershed, Meymand, Fars Province. *Watershed Management Research*, 32(3): 53-62.
18. Solaimani Sardo, M., A.A. Vali, R. Ghazavi and H.R. Saidi Goraghani. 2013. Trend analysis of chemical water quality parameters, a case study: Cham Anjir River. *Irrigation and Water Engineering*, 3(12): 95-106 (in Persian).
19. Zare Garizy, A., V.B. Sheikh, A. Sadoddin and A.R. Mahiny. 2009. Assessment of surface water quality and its seasonal variation. The National Conference on Water Crisis Management, Islamic Azad University of Marvdasht (in Persian).
20. Zhang, X., L. Zhang, C. He, J. Li, Y. Jiang and L. Ma. 2014. Quantifying the impacts of land use/land cover change on groundwater depletion in north-western China, a case study of the Dunhuang oasis. *Agricultural Water Management*, 146: 270-279.